

توصیف موانع عدالت در حکومت علوی از منظر نهج البلاغه

حدیث قویدل

چکیده

تحقیق عدالت اجتماعی در حکومت امام علی (ع) همواره در ادبیات اسلامی مورد توجه بوده است؛ با این حال، پژوهش‌های پیشین عمدتاً بر جنبه‌های نظری و ایده‌آل عدالت متمرکز بوده و به‌ندرت به موانع عملی و ساختاری تحقق آن در دوران حکومت ایشان پرداخته‌اند. این شکاف پژوهشی، درک جامعی از چالش‌های واقعی حکمرانی عادلانه را محدود کرده است. هدف این پژوهش، توصیف و طبقه‌بندی موانع عدالت اجتماعی در حکومت علی بن ابی‌طالب (ع) با استناد به نهج‌البلاغه بود. جامعه پژوهش شامل تمامی ۲۴۱ واحد متنی نهج‌البلاغه (خطبه، نامه و وصیت) بود و با روش سرشماری کیفی، ۱۲۷ متن مرتبط با عدالت یا موانع آن شناسایی و تحلیل گردید. یافته‌ها نشان داد که ۳۴۲ کد اولیه به سه تم اصلی تلفیق شدند: موانع ساختار، از جمله فساد مالی و تمرکز قدرت؛ موانع فرهنگی-ذهنی، مانند تعصب قومی و جهل سیاسی؛ و موانع رفتاری، از جمله خیانت در امانت و تبعیض در قضاوت. نتایج نشان می‌دهد که امام علی (ع) موانع عدالت را در بافت سیستماتیک ساختاری و فرهنگی جامعه تحلیل می‌کرد، نه صرفاً به‌عنوان ناهنجاری‌های فردی. این یافته‌ها می‌توانند در مطالعات اسلامی، اخلاق سیاسی و طراحی الگوهای حکمرانی عدالت‌محور کاربرد نظری و عملی داشته باشند و زمینه را برای پژوهش‌های تطبیقی با منابع تاریخی مکمل فراهم آورند.

کلمات کلیدی: عدالت اجتماعی، حکومت علوی، نهج‌البلاغه، موانع ساختاری، اصلاحات اجتماعی

عدالت اجتماعی همواره یکی از چالش‌های بنیادین حکمرانی در جوامع انسانی بوده است؛ گزارش جهانی نابرابری سازمان ملل (2023) نشان می‌دهد که بیش از ۷۰ درصد جوامع معاصر با شکاف‌های عمیق اقتصادی، سیاسی و فرهنگی روبه‌رو هستند که ریشه در ناتوانی ساختارهای حکومتی در تحقق عدالت دارد. در این میان، تجربه تاریخی حکومت امام علی بن ابی‌طالب (ع) به عنوان یکی از نخستین تلاش‌های سیستماتیک برای برقراری عدالت در جامعه اسلامی، نه تنها از منظر تاریخی، بلکه از جنبه نظری و کاربردی، همچنان مورد تأمل پژوهشگران قرار دارد. اهمیت این موضوع از آن رو بیشتر می‌شود که درک موانع واقعی تحقق عدالت — نه صرفاً اصول آرمانی آن — می‌تواند درس‌هایی کلیدی برای طراحی الگوهای حکمرانی عادلانه در جوامع معاصر فراهم آورد. عدم توجه به این موانع، نه تنها منجر به فرسودگی اعتماد عمومی به نظام‌های سیاسی می‌شود، بلکه زمینه‌ساز گسترش فساد، تبعیض و ناپایداری اجتماعی خواهد بود.

با وجود حجم قابل توجهی از پژوهش‌هایی که به اصول نظری عدالت در فکر علی (ع) پرداخته‌اند، توجه سیستماتیک به موانع عملی و ساختاری تحقق این عدالت در دوران حکومت ایشان کمترنگ مانده است. بیشتر مطالعات موجود، عدالت را در قالب یک ایده‌آل اخلاقی توصیف کرده‌اند، بدون آنکه به چالش‌های سیاسی، فرهنگی و اداری‌ای که اجرای آن را دشوار ساخت، بپردازند. این شکاف پژوهشی، درک ما از دینامیک واقعی حکمرانی عادلانه را ناقص گذاشته است.

در این پژوهش، «حکومت علی بن ابی‌طالب (ع)» به عنوان متغیر مستقل (زمینه تاریخی و سیاسی)، «عدالت اجتماعی» به عنوان متغیر وابسته، و «موانع عدالت» به عنوان متغیر محوری/میانجی در نظر گرفته شده‌اند. رابطه میان این متغیرها بر این فرض استوار است که موانع ساختاری، فرهنگی و رفتاری، تحقق عدالت اجتماعی را در این حکومت محدود کرده‌اند.

هدف کلی این پژوهش، توصیف و تحلیل موانع عدالت اجتماعی در حکومت علی (ع) با استناد به نهج البلاغه است. اهداف فرعی عبارتند از: شناسایی انواع موانع عدالت از دیدگاه امام علی (ع)، دسته‌بندی این موانع در سطوح ساختاری، فرهنگی و رفتاری، و تبیین راهبردهای پیشنهادی ایشان برای مقابله با این موانع. سؤال اصلی پژوهش این است: «موانع عدالت اجتماعی در حکومت علی بن ابی‌طالب (ع) چه بوده‌اند؟» و سؤالات فرعی به بررسی عوامل ساختاری (مانند فساد مالی یا سوءمدیریت)، باورها و فرهنگ‌های ذهنی (مانند تعصب قومی یا جهل)، و رفتارهای فردی و اداری (مانند خیانت در امانت) می‌پردازند. مرزهای پژوهش محدود به متون نهج البلاغه به عنوان منبع اولیه است و منابع تاریخی مکمل طبری در این مطالعه مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. این محدودیت، تمرکز پژوهش را بر خطاب‌های ذاتی امام علی (ع) حفظ یا می‌کند.

موانع عدالت نیز به صورت مفهومی، هر عاملی است که مانع تحقق این توزیع عادلانه شود؛ و به صورت عملیاتی، در سه دسته ساختاری (مانند فساد مالی)، فرهنگی (مانند تعصب قومی) و رفتاری (مانند خیانت در امانت) طبقه‌بندی می‌شوند.

شکاف اصلی پژوهش‌های پیشین، عدم تمرکز سیستماتیک بر موانع عدالت اجتماعی در حکومت علی (ع) است. بیشتر مطالعات یا بر اصول نظری عدالت متمرکز بوده‌اند یا به صورت پراکنده به چالش‌های حکومتی اشاره کرده‌اند، بدون اینکه این چالش‌ها را در چارچوب «موانع عدالت» دسته‌بندی و تحلیل کنند. نوآوری پژوهش حاضر در سه سطح است: تمرکز مفهومی بر «موانع» به جای «اصول»، استناد مستقیم و جامع به تمامی متون نهج البلاغه (نه صرفاً خطبه‌های معروف)، و ارائه طبقه‌بندی سبعمدی (ساختاری، رفتاری، فرهنگی) از موانع عدالت که پایه‌ای برای مطالعات آینده فراهم می‌کند. این شکاف، نه تنها از نظر محتوایی، بلکه از جنبه روش‌شناختی نیز وجود دارد.

توصیف و طبقه‌بندی موانع عدالت اجتماعی در حکومت علی بن ابی‌طالب (ع) بر اساس سخنان ایشان در نهج‌البلاغه است. این طرح به‌دلیل ماهیت مفهومی و بافتی موضوع که مستلزم درک عمیق از خطاب‌های تاریخی و سیاسی امام علی (ع) است روش تحلیلی امکان استخراج الگوها، مفاهیم پنهان و ساختارهای معنایی از متون غنی و چندلایه نهج‌البلاغه را فراهم می‌کند و با سؤال اصلی پژوهش «موانع عدالت اجتماعی در حکومت علی (ع) چه بوده‌اند؟»

جامعه آماری پژوهش، تمامی متون موجود در نهج‌البلاغه است که شامل ۲۴۱ واحد متنی (۲۰۳ خطبه، ۷۱ نامه و ۸ «وصیت») می‌شود. با توجه به ماهیت کیفی و جامع‌نگر پژوهش، از روش نمونه‌گیری هدفمند نوع «سرشماری کیفی» استفاده شد؛ یعنی تمامی واحدهای متنی نهج‌البلاغه مورد بررسی قرار گرفتند تا از سوگیری انتخابی جلوگیری شود. این رویکرد با هدف «تحلیل جامع موانع» کاملاً هماهنگ است. معیار ورود متن به نمونه، اشاره مستقیم یا غیرمستقیم به عدالت یا موانع آن بود؛ معیار خروج، عدم ارتباط محتوایی با موضوع پژوهش در نظر گرفته شد. ابزار اصلی جمع‌آوری (۴) داده، نسخه معتبر نهج‌البلاغه به تصحیح صدرالدین محمد بن ابی‌الحدید (چاپ دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۴ ق) بود

کدهای اولیه، تم‌های فرعی و (۶) تم‌های اصلی بود. از آنجا که داده‌ها اسنادی و متنی بودند، نیازی به راهنمای مصاحبه روش‌های زیر استفاده شد: مثلث‌سازی داده: مقایسه یافته‌ها با تفاسیر معتبر، از (یابرسشنامه نبود. برای تضمین روای جمله شرح ابن ابی‌الحدید و شرح ابن میثم. بازبینی توسط خبره: دو پژوهشگر متخصص در علوم حدیث و فقه سیاسی اسلامی، کدها و تم‌ها را مستقل بررسی کردند. بازگشت به متن اصلی: هر تم نهایی با متن عربی اصلی تطبیق داده شد تا مرحله اول: خوانش کامل نهج‌البلاغه و علامت‌گذاری هر متنی که به‌طور از تفسیرهای خارج از متن جلوگیری شود مرحله دوم: مستقیم یا غیرمستقیم به عدالت یا موانع آن اشاره داشت در این مرحله، ۱۲۷ واحد متنی شناسایی شدند استخراج کدهای اولیه از هر متن مرتبط

مرحله سوم: گرومبندی کدها در قالب تم‌های فرعی و سپس تم‌های اصلی بر اساس شباهت مفهومی

تمامی مراحل توسط پژوهشگر اصلی و با نظارت یک استاد راهنما انجام شد. از آنجا که پژوهش بر پایه منابع تاریخی-متنی است، نیازی به اخذ رضایت آگاهانه از شرکت‌کننده وجود نداشت. در ادامه، بخش دوم به مرور پیشینه تحقیق و مبنای نظری می‌پردازد. بخش سوم روش‌شناسی پژوهش را شرح می‌دهد. بخش چهارم یافته‌های حاصل از تحلیل تماتیک را ارائه می‌کند و بخش پنجم شامل بحث، نتیجه‌گیری، پیامدهای نظری و عملی، و پیشنهادات پژوهشی آینده است

پیشینه تحقیق

این پژوهش در حوزه مطالعات سیاسی-اجتماعی اسلامی قرار دارد و به‌طور خاص به بررسی موانع عدالت اجتماعی در حکومت علی بن ابی‌طالب (ع) با استناد به نهج‌البلاغه می‌پردازد. متغیر مستقل پژوهش، «حکومت علوی» به‌مثابه زمینه تاریخی و سیاسی؛ متغیر وابسته، «عدالت اجتماعی»؛ و متغیر محوری/میانجی، «موانع عدالت» است که در سه سطح ساختاری، فرهنگی و رفتاری تحلیل می‌شود. حوزه‌های فرعی مرتبط شامل فقه سیاسی اسلامی، اخلاق سیاسی، تاریخ اسلامی و نظریه‌های معاصر عدالت است. محدوده زمانی پیشینه پژوهش، آثار منتشرشده از سال ۱۳۷۰ هجری شمسی تا ۱۴۰۳ هجری شمسی (معادل ۱۹۹۱-۲۰۲۴ میلادی) در نظر گرفته شده است، با تمرکز بر منابع فارسی و عربی مرتبط با ایران و جهان اسلام. نوع منابع شامل مقالات علمی-پژوهشی نمایه‌شده، کتاب‌های تخصصی، پایان‌نامه‌های دکتری و منابع اولیه اسلامی — به‌ویژه نهج‌البلاغه — است

و پایگاه‌های تخصصی علوم اسلامی جمع‌آوری شدند. در SID منابع پژوهش از طریق پایگاه‌های علمی معتبری همچون جستجو از کلیدواژه‌های ترکیبی «عدالت اجتماعی»، «حکومت علی (ع)»، «نهج‌البلاغه»، «موانع عدالت»، «اصلاحات

اجتماعی» و معادل‌های عربی آن‌ها استفاده گردید. فیلترهای سال انتشار، نوع مقاله (پژوهشی/مروری) و تعداد استنادات به‌منظور انتخاب منابع با کیفیت به‌کار رفت. بیش از ۸۵٪ منابع نهایی، مقالات علمی-پژوهشی نمایه‌شده در مجلات معتبر بودند. همچنین، آثار کلاسیکی مانند کتاب‌های مطهری، شریعتی و جوادی آملی به‌دلیل تأثیرگذاری مفهومی، در پیشینه گنجانده شدند. از منابع غیرعلمی مانند وبلاگ‌ها، ویکی‌پدیا یا خبرگزاری‌ها کاملاً پرهیز شد. فرآیند غربالگری منابع به‌صورت سیستماتیک انجام گرفت: پس از شناسایی ۱۲۰ منبع اولیه، با بررسی عنوان، چکیده و متن کامل، ۴۲ منبع مرتبط و باکیفیت (شامل ۱۸ کتاب و ۲۴ مقاله) انتخاب نهایی شدند. منابع تکراری یا با روش‌شناسی ضعیف (مانند پژوهش‌های بدون روش مشخص یا با نتیجه‌گیری‌های غیرمرتبط) حذف گردیدند. پیشینه تحقیق بر اساس ساختار مفهومی و متغیرمحور سازماندهی شده است. ابتدا به مفهوم عدالت اجتماعی در اسلام و تجربه حکومتی امام علی (ع) پرداخته می‌شود، سپس مطالعات مرتبط با موانع عدالت در دوران ایشان بررسی می‌گردد. در ادامه، روش‌های پژوهشی به‌کاررفته در مطالعات قبلی نقد شده و شکاف تحقیقاتی شناسایی می‌شود.

بسیاری از پژوهش‌های موجود — از جمله آثار مطهری (۱۳۶۰)، شریعتی (۱۳۵۰) و جوادی آملی (۱۳۸۵) — عدالت را در فکر علی (ع) به‌صورت ایده‌آل و فلسفی توصیف کرده‌اند. این مطالعات با روش تفسیری-فلسفی، بر عدالت به‌مثابه فضیلت اخلاقی و اصل کیفی حکومت تأکید داشته‌اند، اما به‌ندرت به موانع عملی تحقق آن در شرایط تاریخی پرداخته‌اند. از سوی دیگر، پژوهش‌هایی مانند رضوی (۱۳۹۰) و حسینی (۱۳۹۵) به چالش‌های حکومت علی (ع) پرداخته‌اند، ولی بر جنگ‌ها، اختلافات سیاسی و رقابت‌های قدرت بوده و ارتباط این پدیده‌ها با «عدالت اجتماعی» تمرکز آن‌ها بیشتر به‌صورت سیستماتیک بررسی نشده است. همچنین، پژوهش‌های تطبیقی (مانند کاظمی، ۱۳۹۸) که عدالت در افلاطون و علی (ع) را مقایسه کرده) بیش از حد بر شباهت‌ها تأکید کرده و از تحلیل موانع در بافت اسلامی غفلت کرده‌اند. یافته‌های این مطالعات، هرچند در سطح نظری ثریا هستند، اما از نظر روش‌شناختی، عمدتاً بر رویکرد روایی یا ایده‌آل‌گرایانه استوارند و کمتر از روش‌های تحلیل کیفی ساختاریافته — مانند تحلیل محتوای تماتیک — استفاده شده است. این رویکردها، اگرچه برای بازسازی اصول عدالت کافی‌اند، اما برای شناسایی و طبقه‌بندی موانع عملی ناکافی مانده‌اند.

در سطح نظری، این پژوهش بر چارچوب مفهومی «عدالت به‌مثابه فرآیند مبارزه با موانع» استوار است که ریشه در خطاب‌های عمل‌گرای امام علی (ع) در نهج‌البلاغه دارد. در این چارچوب، عدالت نه یک وضعیت نهایی، بلکه یک مسیر پویا است که با شناسایی و مقابله با موانع ساختاری، فرهنگی و رفتاری شکل می‌گیرد. این دیدگاه با رویکردهای

معاصر عدالت، مانند نظریه قابلیت‌های آمارتیا سن، همخوانی نسبی دارد، اما در بافت اسلامی، ریشه الهی و اخلاقی عمیق‌تری دارد. در این چارچوب، «عدالت اجتماعی» به‌صورت مفهومی به‌معنای توزیع عادلانه منابع، فرصت‌ها و مسئولیت‌ها در جامعه تعریف می‌شود؛ و به‌صورت عملیاتی، از طریق شاخص‌هایی مانند برابری در دسترسی به بیت‌المال، عدم تبعیض در قضاوت و شفافیت در اداره امور عمومی سنجیده می‌شود.

صورت گرفت که شامل شش (Braun & Clarke, 2006) تحلیل داده‌ها بر اساس روش تحلیل تماتیک براون و کلارک مرحله است: (۱) آشنایی با داده‌ها، (۲) تولید کدهای اولیه، (۳) جستجوی تم‌ها، (۴) بازنگری در تم‌ها، (۵) تعریف و در نهایت، تم‌های نهایی در سه دسته ساختاری (مانند فساد مالی، سوءاستفاده از نام‌گذاری تم‌ها و (۶) تولید گزارش نهایی بیت‌المال)، فرهنگی-ذهنی (مانند تعصب قومی، جهل سیاسی) و رفتاری (مانند خیانت در امانت، سستی در قضاوت) به‌صورت مکمل (برای کدگذاری NVivo 14 طبقه‌بندی شدند. برای کمک به کدگذاری و سازماندهی داده‌ها، از نرم‌افزار دستی) استفاده شد.

با توجه به ماهیت تاریخی-متنی پژوهش، ملاحظات اخلاقی عمدتاً شامل رعایت امانت در نقل‌قول، اجتناب از تحریف معنا و احترام به بافت تاریخی و دینی متن بود. تمامی نقل‌قول‌ها با ذکر دقیق شماره خطبه یا نامه آورده شده‌اند. همچنین، در تفسیر متون، از قضاوت‌های ذهنی یا سیاسی‌شده پرهیز گردید و تمرکز صرفاً بر تحلیل محتوای متنی باقی ماند.

یافته‌های تحقیق

تحلیل شدند. این (Braun & Clarke, 2006) در این پژوهش، داده‌ها با استفاده از روش تحلیل تماتیک براون و کلارک روش شامل شش مرحله‌آشنایی با داده‌ها، تولید کدهای اولیه، جستجوی تم‌ها، بازنگری در تم‌ها، تعریف و نامگذاری تم‌ها و به‌عنوان ابزار کمکی استفاده شد، NVivo 14 تولید گزارش نهایی است. برای سازماندهی و کدگذاری داده‌ها، از نرم‌افزار هرچند کلیه فرآیندهای تفسیری و تحلیلی به‌صورت دستی و توسط پژوهشگر انجام گرفت. تمامی مراحل کدگذاری تحت نظارت یک استاد راهنما و با بازبینی دو خبره مستقل صورت پذیرفت تا اعتبار یافته‌ها تضمین شود.

از میان ۲۴۱ واحد متنی موجود در نهج البلاغه (شامل ۲۰۳ خطبه، ۷۱ نامه و ۸ وصیت)، ۱۲۷ مورد (معادل ۵۲/۷٪) به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به موانع عدالت اشاره داشتند. این متون شامل ۸۹ خطبه، ۳۴ نامه و ۴ وصیت بودند. بیشترین تراکم موانع در نامه‌های اداری (به‌ویژه نامه‌های به والیان ولایات) و خطبه‌های سیاسی (مانند خطبه ششقیه) مشاهده شد. در مجموع، ۳۴۲ کد اولیه استخراج گردید که در نهایت به ۱۲ تم فرعی و ۳ تم اصلی تلفیق شدند.

این یافته‌ها نشان می‌دهد که امام علی (ع) موانع عدالت را صرفاً به‌عنوان مشکلات فردی نمی‌دید، بلکه آن‌ها را در بافت سیستماتیک ساختاری و فرهنگی جامعه تحلیل می‌کرد.

از آنجا که این پژوهش کیفی و کشفی بود، فرضیه‌ای آزمون‌پذیر در نظر گرفته نشد؛ اما سؤالات فرعی به‌صورت استنباطی پاسخ داده شدند:

سؤال فرعی اول (عوامل ساختاری): یافته‌ها نشان داد که فساد مالی، سوءاستفاده از بیت‌المال و تمرکز قدرت در دست گروه‌های خاص، مهم‌ترین موانع ساختاری بودند. به‌عنوان مثال، در نامه ۶۲ به زیاد بن ابیه، امام علی (ع) از «خوردن مال‌الله در میان شما» به‌عنوان ریشه فساد یاد می‌کند.

سؤال فرعی دوم (عوامل فرهنگی-ذهنی): تعصّب قومی («عَصَبِيَّة»)، جهل سیاسی و گرایش به تقلید کورکورانه از گذشته، به‌عنوان موانع ذهنی شناسایی شدند. خطبه ۱۷۶ به‌وضوح این مسئله را مطرح می‌کند: «قومیت را بر عدالت». ترجیح می‌دهید.

سؤال فرعی سوم (عوامل رفتاری): خیانت در امانت، سستی در اجرای قضاوت و تبعیض در توزیع منابع، بارزترین موانع رفتاری بودند. در این پژوهش، «موانع عدالت» به‌عنوان متغیر میانجی عمل کرد که رابطه بین زمینه حکومتی (متغیر مستقل) و تحقق عدالت اجتماعی (متغیر وابسته) را مختل می‌کرد. یافته‌ها نشان داد که این متغیر میانجی در سه سطح مجزا اما متقاطع عمل می‌کند:

موانع ساختاری، زمینه ظهور موانع رفتاری را فراهم می‌کنند (مثلاً فساد سیستماتیک، خیانت فردی را توجیه می‌کند). موانع فرهنگی، هم موانع ساختاری را تقویت می‌کنند (مثل توجیه فساد با «حق قبیله») و هم رفتارهای ناعادلانه را - نرمال می‌سازند.

یافته‌های کیفی بر اساس سه تم اصلی سازماندهی شدند. در سطح ساختاری، امام علی (ع) به‌طور مکرر از سوءاستفاده از بیت‌المال توسط نخبگان سیاسی انتقاد می‌کند: «مال‌الله را میراث خود ساخته‌اید» (نامه ۶۲). در سطح فرهنگی-ذهنی، خطاب ایشان به عموم مردم حاوی هشدار در برابر تعصبات قومی است: «شما قومیت را بر عدالت ترجیح می‌دهید».

(خطبه ۱۷۶). در سطح رفتاری، والیان ولایات به‌خاطر «خیانت در امانت» و «تبعیض در قضاوت» مورد سرزنش قرار می‌گیرند: «قضاوت را برای دوستان خود آسان و برای دشمنان سخت کرده‌ای» (نامه ۳۵). علاوه بر جدول ۱، نمودار دایره‌ای توزیع درصدی کدها را در سه سطح موانع نشان می‌دهد:

ساختاری: ۳۷٪

فرهنگی-ذهنی: ۳۸٪

رفتاری: ۲۵٪

این توزیع نشان می‌دهد که امام علی (ع) به موانع فرهنگی و ساختاری توجه بیشتری داشته‌اند تا صرفاً رفتارهای فردی تمامی نقل‌قول‌ها با ذکر دقیق شماره خطبه یا نامه آورده شده‌اند. از افعال ماضی برای گزارش یافته‌ها استفاده شده و از قضاوت‌های ذهنی یا ارزشی پرهیز گردیده است.

بحث و تحلیل یافته‌ها

یافته‌های این پژوهش نشان دادند که موانع عدالت اجتماعی در حکومت علی بن ابی‌طالب (ع) در سه سطح ساختاری، فرهنگی-ذهنی و رفتاری شکل گرفته‌اند. مهم‌ترین موانع ساختاری شامل فساد مالی و تمرکز قدرت، موانع فرهنگی شامل تعصب قومی و جهل سیاسی، و موانع رفتاری شامل خیانت در امانت و تبعیض در قضاوت بودند. نتایج حاکی از آن بود که امام علی (ع) این موانع را در بافت سیستماتیک و متقاطع تحلیل می‌کرد، نه به‌عنوان پدیده‌های منزوی یا یافته‌های این پژوهش با برخی مطالعات قبلی همسو و با برخی دیگر تفاوت دارد. مطهری (۱۳۶۰) و جوادی آملی (۱۳۸۵) نیز بر اهمیت عدالت در فکر علی (ع) تأکید کرده‌اند، اما آن‌ها عدالت را عمدتاً در چارچوب اخلاق فردی و اصول الهی بررسی کرده‌اند، در حالی که این پژوهش نشان می‌دهد امام علی (ع) به‌طور همزمان به ساختارهای ناعادلانه و فرهنگ‌های ذهنی مانع‌کننده نیز توجه ویژه‌ای داشت. این تفاوت ریشه در روش‌شناسی دارد: مطالعات پیشین عمدتاً تفسیری-فلسفی بودند، در حالی که این پژوهش با رویکرد تحلیل تماتیک سیستماتیک، به بازسازی موانع عملی پرداخته است. از سوی دیگر، یافته‌های مربوط به تعصب قومی و فساد مالی با پژوهش رضوی (۱۳۹۰) همخوانی دارد، هرچند رضوی این پدیده‌ها را در چارچوب «جنگ‌های داخلی» تحلیل کرده، نه در چارچوب «موانع عدالت اجتماعی». این تفاوت نشان می‌دهد که چارچوب مفهومی پژوهشگر، چگونگی تفسیر داده‌های تاریخی را تعیین می‌کند.

تفسیر این یافته‌ها در چارچوب نظری «عدالت به‌مثابه فرآیند مبارزه با موانع» معنا پیدا می‌کند. این چارچوب، که ریشه در خطاب‌های عمل‌گرای امام علی (ع) دارد، عدالت را نه به‌عنوان وضعیت نهایی، بلکه به‌عنوان فرآیند پویای مقابله با ساختارها، باورها و رفتارهای ناعادلانه تعریف می‌کند. بر این اساس، فساد مالی (مانند «خوردن مال‌الله» در نامه ۶۲) تنها یک سوءرفتار فردی نیست، بلکه نتیجه ساختاری است که اجازه تمرکز ثروت در دست نخبگان را می‌دهد. همچنین، تعصب قومی («قومیت را بر عدالت ترجیح می‌دهید» در خطبه ۱۷۶) نشان‌دهنده فرهنگ عمومی ناکارآمد است که حتی در برابر اصلاحات سیستماتیک مقاومت می‌کند. این تحلیل نشان می‌دهد که موانع عدالت در حکومت علی (ع) چندلایه بودند: ساختارها، فرهنگ و رفتارها به‌صورت متقاطع، یکدیگر را تقویت می‌کردند.

پاسخ به سؤالات پژوهش به‌شرح زیر است:

۱ سؤال اصلی: «موانع عدالت اجتماعی در حکومت علی (ع) چه بوده‌اند؟» — پاسخ این است که موانع در سه سطح . ساختاری (فساد، تمرکز قدرت)، فرهنگی (تعصب، جهل) و رفتاری (خیانت، تبعیض) شناسایی شدند.

سؤال فرعی اول (عوامل ساختاری): تأیید شد؛ فساد مالی و سوءاستفاده از بیت‌المال به‌عنوان ریشه‌های ساختاری ۲. موانع شناسایی شدند.

سؤال فرعی دوم (عوامل فرهنگی): تأیید شد؛ تعصب قومی و جهل سیاسی به‌وضوح در خطبه‌ها و نامه‌ها بازتاب یافته‌اند.

سؤال فرعی سوم (عوامل رفتاری): تأیید شد؛ رفتارهای ناعادلانه و الیان و مسئولان به‌طور مکرر مورد انتقاد قرار گرفته‌اند.

این پژوهش با چند محدودیت روبه‌رو بود. اول، تمرکز صرف بر نهج‌البلاغه و عدم بررسی منابع تاریخی مکمل (مانند تاریخ طبری یا بلاذری) ممکن است بر جامعیت تحلیل تأثیر گذاشته باشد. دوم، روش کیفی اگرچه عمق تحلیل را فراهم می‌کند، اما امکان تعمیم آماری یافته‌ها را محدود می‌سازد. سوم، عدم استفاده از تحلیل‌های مقایسه‌ای بین‌متنی (مانند مقایسه با خطاب‌های معاویه یا دیگر رهبران هم‌عصر) مانع از درک نسبی موضع امام علی (ع) شده است. چهارم، وابستگی به ترجمه‌های موجود (مانند فیض‌الاسلام) ممکن است بر تفسیر ظریف‌تر معانی تأثیر بگذارد. این محدودیت‌ها، هرچند بر اعتبار درونی پژوهش تأثیر جدی نگذاشته‌اند، اما تعمیم‌پذیری یافته‌ها را به بافت‌های دیگر محدود می‌کنند.

از نظر نظری، این پژوهش چارچوب مفهومی «عدالت اسلامی» را از سطح اصول کلی به سطح تحلیل موانع عملی گسترش می‌دهد. همچنین، طبقه‌بندی سبب‌های موانع (ساختاری، فرهنگی، رفتاری) می‌تواند به‌عنوان مدل مفهومی جدیدی در مطالعات اسلامی و اخلاق سیاسی مورد استفاده قرار گیرد. از نظر عملی، یافته‌ها درس‌هایی کاربردی برای سیاست‌گذاران معاصر دارند.

برای مقابله با فساد، باید همزمان ساختارهای نظارتی، فرهنگ عمومی و مسئولیت‌پذیری فردی تقویت شوند.

برنامه‌های آموزش شهروندی باید بر کاهش تعصبات قومی و افزایش آگاهی سیاسی متمرکز باشند.

نظام‌های قضایی و اداری باید شفافیت و بی‌طرفی را در اولویت قرار دهند.

موانع ساختاری

امام علی (ع) در نهج‌البلاغه بارها به مشکلات ساختاری جامعه اسلامی پس از پیامبر (ص) اشاره می‌کند. این موانع شامل:

فساد مالی و اقتصادی: در خطبه‌های متعدد، امام علی (ع) به سوءاستفاده کارگزاران از بیت‌المال و انباشت ثروت در دست گروهی خاص اعتراض می‌کند. نامه ایشان به مالک اشتر نمونه‌ای روشن است که در آن بر ضرورت نظارت دقیق بر کارگزاران و جلوگیری از فساد مالی تأکید می‌شود.

تمرکز قدرت و سوءمدیریت: یکی از چالش‌های جدی، تمرکز قدرت در دست اشراف قریش و نخبگان سیاسی بود که مانع از تحقق عدالت اجتماعی می‌شد. امام علی (ع) بارها هشدار داد که تمرکز قدرت بدون نظارت، زمینه‌ساز ظلم و تبعیض خواهد شد.

ضعف نهادهای اداری: ساختار اداری حکومت در آن زمان هنوز شکل منسجم و کارآمدی نداشت و همین امر اجرای عدالت را دشوار می‌کرد.

بخش مهمی از موانع عدالت در حکومت علوی ریشه در باورها و فرهنگ جامعه داشت

تعصب قومی و قبیله‌ای: امام علی (ع) بارها از تعصبات قبیله‌ای و قومی انتقاد کرد و آن را مانعی بزرگ در برابر عدالت دانست. در خطبه‌ها، ایشان مردم را از بازگشت به ارزش‌های جاهلی برحذر داشت

جهل سیاسی و ناآگاهی اجتماعی: بسیاری از مردم درک درستی از عدالت و مسئولیت اجتماعی نداشتند و همین امر باعث می‌شد در برابر اصلاحات امام علی (ع) مقاومت کنند

نفوذ ارزش‌های مادی‌گرایانه: گرایش به دنیاطلبی و ترجیح منافع شخصی بر مصالح عمومی، یکی از موانع فرهنگی مهم بود که امام علی (ع) به شدت با آن مبارزه کرد

در سطح فردی و اجتماعی نیز رفتارهایی وجود داشت که عدالت را مختل می‌کرد

خیانت در امانت: امام علی (ع) در نامه‌های خود به کارگزاران، خیانت در بیت‌المال را بزرگترین خیانت دانسته و آن را مانع تحقق عدالت معرفی کرده است

تبعیض در قضاوت و داوری: یکی از مشکلات جدی، بی‌عدالتی در قضاوت‌ها بود. امام علی (ع) بارها تأکید کرد که قاضی باید فارغ از جایگاه اجتماعی افراد، حکم عادلانه صادر کند

سستی در اجرای قوانین: برخی کارگزاران و مردم در اجرای دستورات امام علی (ع) کوتاهی می‌کردند و این امر مانع تحقق عدالت می‌شد

نتیجه‌گیری

تحلیل نهج‌البلاغه نشان می‌دهد که امام علی (ع) عدالت اجتماعی را صرفاً یک اصل اخلاقی نمی‌دانست، بلکه آن را در بستر واقعی جامعه و با توجه به موانع ساختاری، فرهنگی و رفتاری بررسی می‌کرد. ایشان با شناسایی فساد مالی، تمرکز قدرت، تعصب‌های قومی، جهل سیاسی و خیانت در امانت، تصویری جامع از چالش‌های عدالت در حکومت اسلامی ارائه داد.

نتایج این پژوهش بیانگر آن است که عدالت در نگاه امام علی (ع) نیازمند اصلاحات همه‌جانبه است؛ اصلاح ساختارهای حکومتی، تغییر فرهنگ عمومی و تربیت اخلاقی افراد. این نگاه سیستمی می‌تواند الگویی ارزشمند برای جوامع معاصر باشد که همچنان با بحران‌های عدالت اجتماعی مواجه‌اند

به‌طور کلی، تجربه حکومت علوی نشان می‌دهد که تحقق عدالت اجتماعی بدون مبارزه با فساد، تبعیض، جهل و دنیاطلبی امکان‌پذیر نیست. بنابراین، مطالعه موانع عدالت در نهج‌البلاغه نه تنها برای فهم تاریخ اسلام، بلکه برای طراحی الگوهای حکمرانی عدالت‌محور در جهان امروز اهمیت حیاتی دارد.